

«مدینه‌های جماعیه» فارابی

فارابی در فلسفه سیاسی خود^۱، در برابر مدینه فاضله که آرمانشهر مطلوب اوست، سه گونه مدینه غیر فاضله به نام مُدُن «جاهله»، «فاسقه» و «ضالّه»^۲ ترسیم می‌کند. یکی از انواع «مدینه‌های جاهلیّه» که به زعم فارابی مردم آن «دارای نوعی از زندگی مدنی می‌باشند [و] جزء ملت‌های مدنی به حساب می‌آیند»^۳ «مدینه‌های جماعیه» یا «مدینه‌الاحرار» است.

فارابی در ترسیم مدینه جماعیه می‌نویسد که مردم آن رها و آزادند و هر چه بخواهند انجام می‌دهند. آنان در اعمال خویش از تساوی کامل برخوردارند. هیچ فردی بر دیگری از هیچ جهت برتری ندارد. هیچ کس بر دیگری از هیچ جهت تسلط ندارد. آن کس ارزشمند و برتر است که بر حریت و آزادی مردم مدینه بیفزاید. این گونه آزادی، خلق و خوی و همت‌ها و اغراض آنان را افزون می‌سازد و خواسته‌هایشان را گوناگون و بسیار. آلات و ابزارهایی که به کار می‌گیرند، بر حسب خواسته‌های متعدد، بی‌شمار و متنوع است. مردم این مدینه‌ها در گروه‌ها و دسته‌های گوناگون گرد می‌آیند. هر گروه راه خود می‌پوید، سخن خود می‌گوید و مطلوب خود می‌جوید. مردم مدینه‌های دیگر که با خواسته‌های گوناگون و ناهم‌ساز از شریف تا فرومایه به صورت پراکنده زندگی می‌کنند، در این گونه مدینه‌ها دور هم جمع می‌شوند.

رهبری و ریاست در این مدینه‌ها تابع خواست و اراده مردم است. رؤسای کسره تابع خواست مرئوسین هستند. رهبرانی که در جهت آزادی مطلق و انجام خواسته‌ها و امیال گوناگون مردم می‌کوشند و مدینه‌ها را از تجاوزات داخلی و خارجی ایمن می‌دارند، مردم آنان را می‌نوازند و می‌ستایند. هر گاه رهبران آمال و خواسته‌های خویش را در حد ضرورت زندگی محدود کنند، اطاعت و اکرام مردم از آنان افزون می‌شود. در این مدینه‌ها، رهبران و مردم از نظر ثروت، مکننت و قدرت بر یکدیگر برتری ندارند. ای بسا رؤسای یافت شوند که توانگری مالی و نیروی غلبه نداشته

نظریه‌های سیاسی، چه آنها که سیمای آرمانشهر (Utopia) را ترسیم می‌کنند و چه آنها که طرحی عینی و عملی از نظامی سیاسی درمی‌اندازند، از سر تفنّن و تصادف پدید نمی‌آیند. فیلسوف یا اندیشمند سیاسی، با خلق نظریه سیاسی می‌کوشد اصول، ارکان و خطوط اساسی حکومت خوب و مطلوب را طراحی کند و امیدوار است نظریه سیاسی او تا حد امکان در عمل تحقق یابد. ممکن است نظریه‌های سیاسی دیرزمانی به صورت کتاب و رساله از سوی عالمان و دانش‌پژوهان مطالعه شود و سپس با گذشت زمان، آنگاه که شرایط و امکانات فراهم آمد، به اجرا درآید. در این میان، گاه نقاط تشابه و اشتراک میان نظریه‌های سیاسی و تجربه‌های عملی سیاسی یافت می‌شود که فراتر از زمان و مکان، قرابت اندیشه‌ها و تجارب مشابه یا مشترکی را نمایان می‌سازد.

دموکراسی جدید غربی، تجربه فرنی است که تازه آنرا پشت سر گذاشته‌ایم. آیامیان دموکراسی‌های جدید غربی - که به دوران مدرنیته تعلق دارد - و فلسفه سیاسی فارابی - که میراث گرانشنگ سنت است و به بیش از هزار سال قبل باز می‌گردد - نسبتی وجود دارد؟ فارابی بعنوان حکیمی الهی و در مقام بنیانگذار فلسفه اسلامی، در فلسفه سیاسی خود طرحی از «مدینه‌های جماعیه» ارائه می‌کند. شناخت تجربه دموکراسی‌های غربی، به روشنی اوضاع مدینه‌های جماعیه را به یاد می‌آورد. نزدیکی این دو به یکدیگر بدان حد است که گویی دموکراسی جدید غربی قرائت تازه‌ای از مدینه جماعیه فارابی است. مقایسه این دو طرح آشکار می‌سازد که دستاوردهای علمی، فلسفی و فکری بشر، از مرزهای جغرافیایی و ظرف‌های زمانی درمی‌گذرد و گاه در هم می‌آمیزد و از این آمیزش، بدایعی دیگر متولد می‌شود.

در این گفتار، نخست شرحی از مدینه‌های جماعیه فارابی ارائه می‌شود؛ سپس سیمای کلی دموکراسی غربی در اروپا و آمریکا، تصویر خواهد شد. آنگاه تجربه دموکراسی غربی و طرح مدینه‌های جماعیه فارابی با یکدیگر تطبیق می‌شود و نقاط تشابه و اشتراک (و احیاناً افتراق) آنها، تبیین و

نسبت

دموکراسی‌های

جدید غربی و

«مدینه جماعیه»

فارابی

سید علی محمودی

باشند. اینان ممکن است بنا به خواست مردم به ریاست دست یابند، یا از راه موروثی.

مدینه‌های جماعیه کامل‌ترین شکل مدینه‌های جاهله است، همانند جامه‌ای رنگ آمیزی شده، آراسته به نقش‌ها، رنگ‌ها و شکل‌های گونه‌گون. این گونه مدینه‌ها محبوب و مطلوب همگان است؛ زیرا خواسته‌های هر کس در آنها برآورده می‌شود. از این رو ملت‌های مختلف بدان‌ها رو می‌کنند و بر شمار ساکنان و بزرگی آن‌ها می‌افزایند. افراد مختلف از نسل‌ها، باخوی‌ها و پرورش‌های مختلف در آن‌ها می‌زیند. آنان همگی با یکدیگر درهم و آمیخته‌اند و شهرهای بسیار از وجودشان آکنده است. بیگانه از خودی باز شناخته نمی‌شود. یعنی نمی‌توان کسانی را که از نظر خلق و خو نسبتی با مردم این گونه مدینه‌ها ندارند، از مردم واقعی آن تمیز داد.

از آنجا که در این گونه مدینه‌ها، هدف‌ها، غرض‌ها و روش‌ها متنوع و گوناگون است، ممکن است با گذشت زمان‌های دراز، افرادی از طبقه افاضل و حتی حکما، دانشمندان، شاعران و سخنوران در آنها تربیت شوند و ای بسا افرادی برای تأسیس مدینه فاضله از آنها سربر آورند که بهترین انسان‌هایی خواهند بود که در آنها تربیت می‌شوند.

فارابی در سیاست مدنیّه می‌گوید: «پدید آمدن مدینه‌های فاضله و ریاست‌های فاضله از بطن مدینه‌های ضروریّه و جماعیه آسان‌تر و ممکن‌تر است.»^۵ این گونه مدینه‌ها، هم از نظر خیر و خوبی و هم از نظر شرّ و بدی، «بهره‌ورترین مدینه‌ها» است.

هرچه این مدینه‌ها بزرگ‌تر باشد و دیرپاتر و مردمشان پر شمارتر و نعمت‌هایشان فراوان‌تر و برای زندگی مردم کامل‌تر، هم خیرات آنها افزون‌تر خواهد بود و هم شرور آنها.

در مدینه‌های جماعیه، هیچ کس برای رهبری و ریاست بر فرد دیگر برتری و پیشی ندارد. هنگامی که ریاست به فردی واگذار می‌شود، یا از آن‌روست که فرمانبردار و مطیع مردم است و مردم او را به رهبری می‌رسانند که بتوانند هر گونه خواست و اراده‌ای را بر او تحمیل کنند یا اینکه در برابر این ریاست، ثروت و مکتب یا چیزهای دیگری از او به مردم می‌رسد. از دیدگاه مردم این مدینه‌ها، بهترین رئیس فردی است که در راه رساندن مردم به امیال

نفسانی گوناگون آنان، بهترین و کارآمدترین اندیشه‌ها و راه‌های چاره‌را به کار گیرد. در این گونه مدینه‌ها، کسی که از افاضل باشد و هر گاه به ریاست دست یابد، به ارزیابی اعمال مردم بپردازد و آنان را به سوی «سعادت حقیقی» راهبری کند، «هیچ‌گاه به ریاست نمی‌رسد و مردم زیر بار ریاست او نخواهند رفت.»^۵ اگر چنین فردی به ریاست برسد، در زمانی اندک یا برکنار خواهد شد، یا به قتل خواهد رسید یا دولتش «پریشان‌حال» گشته در هاویه جنگ و ستیز در خواهد غلطید.

دموکراسی‌های جدید غربی

جوامع مورد مطالعه ما، در هیأت کشورهای گوناگون در اروپا و آمریکا (شامل ایالات متحده آمریکا و کانادا) شکل گرفته‌اند. نظم سیاسی و اجتماعی در این کشورها بر اساس دموکراسی استوار شده است که آنرا در تعریفی مقدماتی، «حکومت مردم، بوسیله مردم، برای مردم» خوانده‌اند. همه مردم در این کشورها، بطور کلی اتفاق نظر دارند که انسان‌ها آزاد و خردمند به دنیا می‌آیند و دارای حق مساوی در دستیابی به آزادی هستند. مردم کم و بیش از حقوق انسانی برخوردارند؛ مانند حق حیات، آزادی اندیشه، بیان و انتشارات، حق تشکیل اجتماعات، حق دفاع از خود و مانند اینها. در این میان، آزادی دارای منزلت، اولویت و اهمیت خاصی است، به گونه‌ای که در صدر حقوق اساسی قرار می‌گیرد. البته آزادی در این کشورهایی حد و مرز نیست. آزادی فرد تا آنجا مجاز است که قلمرو آزادی دیگران را مورد تجاوز قرار ندهد یا موجب آسیب رساندن به افراد دیگر نشود. حدود و ثغور آزادی را قانون معین می‌کند.

قوانین در این کشورها توسط نمایندگان برگزیده مردم وضع می‌شود و به «قوانین موضوعه» معروف است. هر کشور دارای «قانون اساسی» است که قوانین و مقررات، بر پایه آن وضع می‌شود. بطور کلی قوانین بر اساس «حقوق» تدوین یافته و علی‌الاصول ناقض حقوق اساسی و اولیه نیست. در این جوامع، اخلاق مقوله‌ای نسبی است نه مطلق. خیر هر فرد به خود او و انهاده شده و دولت موظف به

○ فارابی بعنوان
حکیمی الهی و در مقام
بنیانگذار فلسفه اسلامی،
در فلسفه سیاسی خود
طرحی از «مدینه‌های
جماعیه» ارائه می‌کند.
نزدیکی و شباهت
دموکراسی‌های غربی به
مدینه‌های جماعیه فارابی
بدان اندازه است که گویی
دموکراسی جدید غربی
قرائن تازه‌ای از مدینه
جماعیه فارابی است.

می‌روند. در این جوامع، معمولاً هر کس کار خودش را می‌کند. افراد در امور یکدیگر دخالت نمی‌کنند و تفاوت‌ها و علائق و سلیقه‌ها را بر دبارانه تحمل می‌کنند. البته آشکالی از تبعیض در این جوامع به چشم می‌خورد که از بارزترین آنها تبعیض‌های نژادی، اجتماعی و دینی است.

تنوع کتاب‌ها، روزنامه‌ها و مجلات، از نظر کیفی و کمی، به اندازه‌ای در این جوامع زیاد است که نمی‌توان آنرا به تصور آورد. فن آوری ارتباطات و انفورماتیک، به مردم در دستیابی به اطلاعات و تولیدات گوناگون مدد می‌رساند. شبکه‌های رادیویی، تلویزیونی و کامپیوتری، فاصله‌ها را از میان برداشته و ارتباطات را چنان تسهیل و تسریع کرده که گویی مردم همه ساکنان دهکده‌ای کوچکند. در این جوامع نظم اجتماعی و کارآمدی نهادهای دولتی و بخش خصوصی، از عقلانیت و رشد اخلاقی شهروندان آموزش یافته بهره‌مند می‌شود. البته در موارد بسیار، خلأ عاطفی، پوچ‌انگاری، تنهایی و سستی بنیادهای خانوادگی و به بیان دیگر، نبود توازن و هم‌نوایی مادیت و معنویت نمایان است.

در این جوامع، مردم سازمان‌ها و نهادهایی تأسیس می‌کنند که به نهادهای جامعه مدنی معروف است. این نهادها از قلمرو سلطه دولت خارج است. مردم از طریق نهادهای مدنی با دولت «گفتگو» می‌کنند؛ خواسته‌های خود را در میان می‌گذارند و از دولت انتقاد و بر آن نظارت می‌کنند. دولتمردان در این جوامع برگزیدگان مردم هستند و در برابر مردم پاسخگو. در این جوامع، هم شهروندان و هم کارگزاران، تابع قانون‌اند و هیچ کس در هیچ رتبه و مقامی مافوق قانون نیست.

حاکمان در این کشورها ممکن است دارای نفوذ و اقتدار باشند، اما به هیچ وجه نه آموزگار اخلاقند و نه برخوردار از تقدس روحانی. در این کشورها، دو مقوله دین و سیاست از یکدیگر تفکیک شده است. دولت‌ها، غیرمذهبی هستند و مسئول آباد کردن دنیای مردم. دین شهروندان به خود آنان و آنها شده است. هر کس می‌تواند رستگاری و سعادت اخروی خویش را از طریق انجام دادن آداب عبادی فردی یا جمعی جستجو کند. دولت حق ندارد در امور معنوی و اعتقادی مردم دخالت کند. متقابلاً،

اعمال نظریه اخلاقی خاصی نیست. البته ارزش‌ها می‌تواند میان افراد مشترك یا متفاوت باشد؛ اما کسی نمی‌تواند و نباید مفهوم ارزشی خاصی را به مردم «دیکته» کند، اعم از اینکه آن کس شهروند عادی باشد یا زمامدار.

در این کشورها، قدرت سیاسی بر پایه رضایت اراده مردم تأسیس می‌شود. مردم از طریق روش‌های دموکراتیک همچون انتخابات یا همه‌پرسی، نوع و شکل قدرت سیاسی را تعیین می‌کنند. حاکمیت دارای چهار رکن یا قوه است: قوه مجریه، قوه مقننه، قوه قضائیه و رسانه‌های گروهی. قوه مجریه (یا دولت) معمولاً بر اساس حاکمیت یک یا چند حزب شکل می‌گیرد. نوع اول را «دولت حزبی» و نوع دوم را «دولت ائتلافی» می‌نامند. دولت در این کشورها موظف به تأمین امنیت، اجرای قوانین، پاسداری از آزادی‌های مشروع، تأمین نیازهای اساسی (غذا، مسکن، بهداشت و آموزش) و تنظیم روابط خارجی و بین‌المللی است.

مردم از راه تأسیس احزاب و گروه‌ها، در فرایند قدرت سیاسی مشارکت می‌کنند. آنان به دلخواه در احزاب وارد می‌شوند. احزاب، هم امکان‌رشد و ارتقاء مردم را فراهم می‌سازند و هم دیدگاه‌ها و نظرات آنان را به حاکمیت سیاسی انتقال می‌دهند. در این جوامع، نهادها، گروه‌ها، جمعیت‌ها و احزاب بسیار متنوع و گوناگون است. از سازمان‌های مذهبی گرفته تا ضد مذهبی و از نهادهای سیاسی مختلف تا گروه‌های اجتماعی و فرهنگی، نحله‌ها و فرقه‌های گوناگون در جای‌جای این جوامع به چشم می‌خورند؛ هم آنان که معتقد به پروردگار یگانه‌اند، هم چندخدایان، هم بت‌پرستان، هم شیطان‌پرستان، هم ملحدان و هم بی‌خدایان. در یک جا می‌توان مسجد یافت، در جایی دیگر کلیسا و کنیسه و در جایی دیگر، معابد هندو و بودا و مانند اینها. در برخی محافل، گروه‌هایی از زن و مرد و دختر و پسر، به هرزگی، فحشا و... سرگرمند؛ یا از طریق وسایل سمعی و بصری به تماشای صور قبیحه (پورنوگرافی) مشغولند. در برخی نهادها نیز مردم به مطالعه آثار علمی، فلسفی، اخلاقی و ادبی می‌پردازند یا اوقات مفید خویش را در آزمایشگاه‌ها و مراکز علمی و تجربی دیگر می‌گذرانند یا به تماشای موزه‌ها و نمایشگاه‌های هنری و فنی

○ در دموکراسیهای غربی آزادی در صدر حقوق اساسی شهروندان قرار دارد، اما مطلق و بی‌حد و مرز نیست. در مدینه‌های جماعیه فارابی نیز آزادی در کانون حقوق اساسی جای دارد و از مقامی رفیع برخوردار است، اما بی‌حد و مرز به نظر می‌رسد.

نهادهای مذهبی (مانند کلیسا) حق دخالت در مسائل سیاسی را ندارد. از آنجا که دولت‌ها در این جوامع «سعادت محور» نیستند، هیچ دولتی نمی‌تواند در مقام آموزگار، مفهوم خاصی از خیر و سعادت را در میان مردم تبلیغ کند، زیرا مردم به برگزیدگان خود (یعنی دولت) چنین حق و اختیاری تفویض نکرده‌اند. هرگاه دولت دموکراتیک، ایدئولوژی خاصی را به شهروندان «دیکنه» کند و توقع اعمال و اجرای آنرا داشته باشد، از حدود اختیارات خویش فراتر رفته و مردم می‌توانند هر آنچه را به این دولت واگذار کرده‌اند، از آن پس گیرند و نظم سیاسی تازه‌ای در اندازند و آنرا نهادینه کنند.

مقایسه دموکراسی‌های غربی و مدینه‌های جماعیه

اینک که آراء فارابی را در باب مدینه‌های جماعیه (بامدینه‌الاحرار) آوردم و سیمای کلی دموکراسی‌های غربی را بطور فشرده ترسیم کردیم، به وجوه تشابه و اشتراک این دموکراسی‌ها با مدینه‌های جماعیه فارابی بپردازیم.

از زمان تأسیس فلسفه مدنی فارابی و آنچه او درباره مدنی غیر فاضله و از جمله مدینه‌های جماعیه نگاشته، بیش از ده قرن می‌گذرد. درباره سال تولد و مرگ معلم ثانی، ابونصر محمد فارابی اتفاق نظر وجود ندارد، اما تقریباً همه پژوهشگران و عالمان فلسفه و تاریخ، جز در چند مورد، سال تولد وی را ۲۵۹ و سال مرگش را ۳۳۹ هجری قمری ذکر کرده‌اند. بنابراین، دموکراسی‌های غربی (بعنوان مصداق) با مدینه‌های جماعیه فارابی (بعنوان نظریه سیاسی)، از حیث زمانی فاصله‌ای هزار ساله دارد. از این مطابقت و مقایسه، نتایج شگفت‌انگیزی به دست می‌آید که به آن می‌پردازیم:

۱. در دموکراسی‌های غربی، آزادی در صدر حقوق اساسی شهروندان قرار دارد. آزادی همچون نگینی گرانبهاست بر انگشتری زرین حقوق مردم. با این حال، آزادی در این دموکراسی‌ها مطلق و بی‌حد و مرز نیست، بلکه تا آنجا قابل اعمال است که به قلمرو آزادی دیگران تجاوز نکند یا موجب آسیب رساندن به آنان نشود.

در مدینه‌های جماعیه فارابی، آزادی در کانون

حقوق اساسی قرار دارد و دارای مقام فرعی است؛ اما در این مدینه‌ها، آزادی بی‌حد و مرز به نظر می‌رسد. فارابی تصریح می‌کند که: «مدینه جماعیه آن گونه مدینه‌ای است که مردم آن همه‌رها و آزاد باشند و هر آنچه بخواهند انجام دهند.»^۶ از حدود آزادی که بگذریم، منزلت و جایگاه آزادی در دموکراسی‌های غربی یادآور وضع و مقام آزادی در مدینه‌الاحرار است.

۲. در دموکراسی‌های غربی، برابری مردم در دستیابی به آزادی‌ها، از اصول اولیه است. انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹ میلادی) با شعار «آزادی، برابری و برادری» آغاز شد. اما در این دموکراسی‌ها، برابری مطلق، چنان که کمونیست‌ها طرّاح و جانبدار آن بودند، جایی ندارد. تفاوت‌های فردی در این کشورها، بدیهی و پذیرفته شده است. البته در نظام‌های «سوسیال دموکرات»، تلاش در جهت کاستن از نابرابری‌های فاحش اجتماعی وجود دارد؛ اما این به معنی نفی اصل «عدم تساوی اجتماعی» نیست.

در مدینه‌های جماعیه فارابی، شعار برابری در کنار آزادی مطرح می‌شود و اهمیت عدالت پس از آزادی رخ می‌نماید؛ اما برابری در مدینه‌الاحرار - برعکس دموکراسی‌های غربی - برابری مطلق است. فارابی می‌نویسد: «همه مردم آن (مدینه جماعیه) از تساوی کامل برخوردار باشند در همه اعمال خود.»^۷

۳. دموکراسی‌های غربی در برگیرنده قشرهای اجتماعی گوناگون است، با افکار و ایده‌های متفاوت و در مواردی متضاد. شهروندان در زندگی فردی و اجتماعی، از آداب و رسوم و سنت‌ها و روش‌های مختلف پیروی می‌کنند و جامعه در برگیرنده فرهنگ‌ها و پاره فرهنگ‌های متفاوت و متنوع است.

این وضع با وضع مدینه‌های جماعیه مطابقت دارد. در این مدینه‌ها نیز نظرات، علائق و سلاطین، متکثر و متنوع است. مردم با خلق و خواها، طرز فکرها و تربیت‌های متفاوت در کنار هم زندگی می‌کنند.

۴. در دموکراسی‌های غربی، مردم در احزاب، جمعیت‌ها و گروه‌ها گرد می‌آیند. این نهادها با اهداف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی،

○ با مقایسه

دموکراسی‌های غربی و مدینه‌های جماعیه فارابی، وجه اشتراک آنها یعنی کثرت گرایی و پیامدهای آن به گونه ملموس آشکار می‌شود.

تأسیس قدرت سیاسی بر پایه «قرارداد اجتماعی»، بر آیند روابط مبتنی بر سودگرایی است.

در مدینه‌های جماعیه نیز سودگرایی محور نظم سیاسی و اجتماعی و تأسیس دولت است. فارابی تصریح می‌کند که مردم از آن رو اختیارات خود را به رئیس مدینه تفویض می‌کنند که از قبل آن، ثروت و مکتبی به آنان برسد، مدینه از دستبرد دشمنان داخلی و خارجی مصون بماند و مردم از رهگذر آزادی مطلق، بتوانند به خواسته‌ها و امیال خویش دست یابند.

۷. در دموکراسی‌های غربی، قدرت سیاسی بر پایه خواست و رضایت مردم تأسیس می‌شود. در واقع تأسیس دولت «از پائین» و بر اساس اراده به هم پیوسته بدنه جامعه شکل می‌گیرد، نه «از بالا» و بر مبنای اراده بر تر رهبری فردی یا انگشت شماری از نخبگان.

در مدینه‌های جماعیه، دولت از سوی مردم بر پایه خواست و اراده آنان ایجاد می‌شود. رؤسای این مدینه‌ها بطور کامل تابع خواست مرئوسین خود هستند. رئیس مدینه باید در رساندن مردم به امیال و اهدافشان، بهترین اندیشه‌ها و روش‌ها را به کار گیرد.

در هر دو ساخت قدرت، چنان که آشکار است، مردم سالاری به گونه‌ی روشنی اعمال می‌شود و در واقع «حاکمیت مردم» صفت مشترک آن دو محسوب می‌شود.

۸. وظایف دولت در دموکراسی‌های غربی بر اساس خواست مردم، بطور عمده عبارت است از: تأمین امنیت، فراهم آوردن نیازهای اساسی مردم، پاسداری از آزادی‌ها، اجرای قوانین موضوعه و تنظیم روابط خارجی.

در مدینه‌های جماعیه فارابی، وظایف دولت شامل تأمین امنیت جامعه و نگاهبانی از آزادی‌های مطلق، در جهت بر آورده شدن خواست‌ها و امیال ساکنان مدینه است؛ هم چنین اعمال برابری مطلق، بر این اساس که هیچ فردی بر فرد دیگر، نه برتری دارد و نه سلطه.

فارابی در طراحی مدینه‌های جماعیه در مورد تأمین نیازهای اساسی مردم، اجرای قوانین و مقررات و تنظیم سیاست خارجی، سکوت اختیار کرده است. در دیگر موارد، میان دموکراسی‌های

مذهبی و علمی تأسیس می‌شود. از سوی دیگر، در جامعه، نحله‌ها و فرقه‌های گوناگونی وجود دارد که هر یک را پیروان و حامیان و نهادهایی است. در مدینه‌های جماعیه، مردم در گروه‌ها و دسته‌های مختلف گرد می‌آیند. هر گروه اهداف و اغراض خاصی را پی می‌گیرد و دیدگاه‌های خود را ارائه می‌کند. حتی مردم دیگر مدینه‌ها با خواسته‌های گوناگون و ناهم‌ساز، از شریف تا فرومایه، در این مدینه‌ها گرد می‌آیند. هنجار و روش تجمعات انسانی در دموکراسی‌های غربی، یادآور نحوه شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی در مدینه‌های جماعیه است.

۵. تنوع و تکثر در دموکراسی‌های غربی که در واقع از اصول آزادی، کثرت‌گرایی و حاکمیت مردم نشأت می‌گیرد، موجب پیدایش و رشد همه‌نوع اندیشه و فرهنگ و ظهور نمایندگان و هواداران آنها در جامعه می‌شود. در چنین جامعه‌ای که اهداف، اغراض و روش‌ها، متنوع و گونه‌گون است و مجال عرضه و جلوه‌گری دارد، هم‌جانبداران اندیشه‌ها و رسوم ضد انسانی، تبعیض‌آمیز، نژادپرستانه و جنگ‌افروزانه امکان ظهور و بروز می‌یابند و هم اندیشمندان، عالمان، اصلاح‌گران، خدمتگزاران و صلح‌جویان می‌توانند به رونق بازار خردمندی، دانش و اخلاق بیفزایند و عرصه را بر حاملان و حامیان ایدئولوژی‌های ضد انسانی و شیطانی تنگ کنند.

از آنجا که مدینه‌های جماعیه فارابی، مدینه‌های تنوع و تکثر، با هدف‌ها، مقاصد و غایات گوناگون است، هم‌ارذل می‌توانند در آن‌ها رشد کنند و متاع خویش را به بازار آورند و هم افاضل، از حکما و عالمان گرفته تا شاعران و سخنوران، در آن تربیت شوند و در نهایت، سررشته کارهای مدینه را به دست کفایت و تدبیر خود بگیرند. این قشرها ممکن است از متن و بطن مدینه‌های جماعیه، مدینه‌های فاضله را تأسیس کنند.

با مقایسه دموکراسی‌های غربی با مدینه‌های جماعیه، وجه اشتراک کثرت‌گرایی و پیامدهای آن به گونه ملموس آشکار می‌شود.

۶. در دموکراسی‌های غربی، روابط اجتماعی و مناسبات شهروندان و دولتیان، به گونه غالب بر پایه منافع متقابل و فلسفه سودگرایی قرار دارد. اصولاً

○ در دموکراسی‌های غربی، روابط اجتماعی و مناسبات شهروندان و دولتیان، بیشتر بر پایه منافع متقابل و فلسفه سودگرایی قرار دارد. در مدینه‌های جماعیه نیز سودگرایی محور نظم سیاسی و اجتماعی و تأسیس دولت است.

غربی و مدینه‌های جماعیه، تطابق و هماهنگی وجود دارد.

۹. در دموکراسی‌های غربی، اخلاق مقوله‌ای نسبی است و جلوه‌های آن بر حسب افراد، جوامع و دولت‌ها، می‌تواند متفاوت و حتی متضاد باشد. مثلاً یک صفت، هنجار یا رفتار، از نظر فرد، جامعه یا دولتی «خوب» و نیکوست و از نظر فرد، جامعه یا دولتی دیگر، «بد» و نکوهیده. از سوی دیگر، خیر و سعادت فرد و جامعه به خود افراد و جامعه و انهاده شده است. دولت وظیفه و اختیار تعیین و اعمال الگوی ارزشی خاصی را بر فرد و جامعه ندارد.

در مدینه‌های جماعیه، مردم در آزادی مطلق، خیر و سعادت خویش را خود تعیین می‌کنند. قدرت سیاسی موظف به تأمین امنیت، گسترش آزادی و فراهم آوردن زمینه رفاه مردم است. زمامداری که کردار و رفتار مردم را با نگاه اخلاقی واریسی کند و آنان را به راه سعادت حقیقی [مورد نظر خود] سوق دهد، از سوی مردم خلع می‌شود.

۱۰. در دموکراسی‌های غربی، مردم اغلب دوستدار دولت‌ها هستند؛ زیرا این دولت‌ها از سوی خود مردم بنیاد نهاده شده‌اند. از سوی دیگر، هر فرد یا گروه به شرط کار و تلاش و تدبیر، می‌تواند دست کم بطور نسبی در این جوامع مطلوب خویش را بیابد و بر پایه علاقت و سلاطین خود عمل کند. در واقع در جوامع دموکراتیک، درها به روی مردم باز است و انتخاب به آنان سپرده شده است. «برابری فرصت‌ها» بطور نسبی امکان‌پذیر است. اهداف زندگی را فراهم می‌آورد و هر کس قادر به تحقق خواسته‌های خویش است، با در نظر گرفتن میزان استعداد و توانایی‌اش و تلاشی که به خرج می‌دهد.

مدینه‌های جماعیه، به زعم فارابی، از جهت خیر و خوبی و شر و بدی، «بهرورترین مدینه‌ها» است. از آنجا که مردم، این مدینه‌ها را مطلقاً آزاد می‌دانند، دسته‌دسته و گروه‌گروه بدان‌ها می‌پیوندند و خیر و سعادت خویش را در آنها جستجو می‌کنند. استقبال از مدینه‌های جماعیه تا آن اندازه است که مردمان دیگر مدینه‌های غیر فاضله، برای برآورده شدن خواسته‌هایشان به این مدینه‌ها روی می‌آورند. مدینه‌الاحرار، محبوب و مطلوب همگان است.

با مقایسه کلی دموکراسی‌های غربی و مدینه‌های جماعیه، می‌توان دریافت که این دو دسته

نظام سیاسی، در موارد زیر با یکدیگر وجه اشتراک دارند:

اولاً، اصول مشترک و بنیادین آنها عبارت است از امنیت، آزادی، برابری، کثرت‌گرایی و مردم‌سالاری.

ثانیاً، «مدینه جماعیه» از آن جهت که به زعم فارابی کامل‌ترین شکل مدینه‌های جاهله است، کم‌ترین بدی را در بین نظام‌های سیاسی بد دارد. در برابر، «دموکراسی» به نظر ارسطو، «کم‌ترین بدی در میان نظام‌های حکومتی منحرف است».^۸ پس می‌توان نتیجه گرفت که سوای آرمانشهرهایی همچون «مدینه فاضله» فارابی (که زیبا و شکوهمند آمد دست نیافتنی است)، «دموکراسی» و «مدینه جماعیه» به مثابه یک روح در دو کالبد، می‌توانند واقعی‌ترین اشکال حکومت مردم‌سالارانه به حساب آیند که به قول فارابی، فقط از بطن آنها دستیابی به فضیلت و سعادت امکان‌پذیر خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. فلسفه سیاسی فارابی بطور عمده در دور ساله معروف و فراهم آمده است: اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه و تحشیه دکتر سیدجعفر سجادی، (تهران، انجمن فلسفه ایران، ۱۳۵۸) و سیاست مدنی، ترجمه و تحشیه دکتر سیدجعفر سجادی، (تهران، طهوری، ۱۳۶۱).

۲. «مدینه‌های جاهله» عبارتند از: «ضروری»، «نذاله»، «خسیسه»، «کرامیه»، «تغلیبه» و «جماعیه» (مدینه‌الاحرار) که شرح هر یک از آنها در آثار فارابی آمده است.

«مدینه‌های فاسقه» تقریباً همانند مدینه‌های جماعیه است با این تفاوت که در مدینه جماعیه (با مدینه‌الاحرار) اساس قدرت سیاسی بر فسق و فجور نیست، بلکه بر حریت است که در آن همه چیز یافت می‌شود؛ اما در مدینه‌های فاسقه، بنیاد قدرت بر لذت‌ها و شهوات و فسق و فجور است و مردم در آن‌ها برای نیل به اهداف جاهلی با یکدیگر همکاری می‌کنند.

«مدینه‌های ضاله» در برگیرنده مردمی است با اعتقادات کژ و گمراه که در کارها و رفتار به راه راست و به حق نمی‌روند.

۳. سیاست مدنی، صفحه ۱۷۰.

۴. همان، صفحه ۱۹۴.

۵. همان، صفحه ۱۹۳.

۶. همان، صفحه ۱۸۹.

۷. همان، صفحه ۱۸۹.

۸. ارسطو، اخلاق نیکو ماخسی.

○ چه در دموکراسی‌های غربی و چه در مدینه‌های جماعیه، مردم‌سالاری به گونه‌ای روشن اعمال می‌شود و در واقع «حاکمیت مردم» مشترک هر دو ساخت قدرت است.